همه حرفه‌ها در سال آینده مکلف به نصب پایانه فروشگاهی هستند سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۰ در تشریح جدیدترین مصوبات این کمیسیون، از تمهیدات جدید برای دریافت ۳۰درصد مطالبات معوق مالیاتی از مؤدیانی که فرار مالیاتی دارند خبر داد و گفت: براساس پیشنهاد دولت مقرر شد از پزشکان ۱۰ درصد مالیات علی‌الحساب کسر شود. این موضوع شامل درآمد، حقوق و کارانه نمی‌شود. به گزارش خانه ملت،زارع تصریح کرد: در کمیسیون تلفیق مصوب شد در سال آینده همه حرفه‌ها از جمله وکلا و پزشکان مکلف به نصب پایانه فروشگاهی شوند.

روایت دکتر حسن سبحانی، اقتصاددان و نماینده ادوار مجلس از بودجه‌نویسی کشور در گفت‌وگوی تفصیلی با قدس

هنوز قانون «نحوه بودجه نویسی» را ننوشته‌ایم

◆ بیش از ۷۰۰ ماده‌قانونی در ارتباط با مسائل مالی دولت داریم، اما همین که کسی متخصص باشد و بشنود که ۷۰۰ ماده‌قانونی وجود دارد، می‌فهمد که چه اغتشاشی وجود دارد.

◆ باید قانونی نوشت که در آن ذکر شود منافع و درآمدهای انفال از جمله نفت مصروف مصالح‌عمومی بشود.

◆ نهادی که قانون تأسیس ندارد نباید هیچ پولی از دولت بگیرد. اگر ضرورتی برای پول گرفتن دارد، قانونش تصویب و معلوم شود فلان بخش کار را در کشور بر عهده دارد.

◆ امروز نمایندگان در زمان بررسی بودجه، فقط تبصره‌ها را بررسی می‌کنند. تبصره‌ها اصولاً بودجه نیست بلکه قوانین یکساله است.

◆ تبصره‌ها در نهایت در ۱۵ دقیقه توسط مجلس به قانون تبدیل می‌شود و پخته نیست و چون یکساله است سال بعد دوباره تکرار می‌شود.

◆ به دلیل اینکه در تحریم هستیم باید بیشتر نسبت به بودجه هم سخت بگیریم و بودجه را نه لزوماً انقباضی بلکه دقیق ببندیم.

فرزانه غلامی | این روزها بودجه سال ۱۴۰۰ دولت در مجلس در حال بررسی و توجه همه کارشناسان و نهادهای اجرایی را به خود جلب کرده است. در حالی که بودجه دولت تأثیر قابل‌توجهی بر اقتصاد دارد، اما عموم مردم در مورد ابعاد مختلف آن آشنایی کمتری دارند. از سوی دیگر اشکال‌های هر ساله بودجه دولت موجب شده مسئله اصلاح ساختاری بودجه همواره مورد تأکید همه مسئولان و کارشناسان باشد، اما هیچ‌گاه این آرزو عملیاتی نشده است.

در گفت‌وگو با دکتر حسن سبحانی، نماینده ادوار مختلف مجلس و اقتصاددان به بررسی نحوه بودجه‌نویسی و مفهوم اصلاح ساختاری بودجه پرداختیم. این عضو هیئت‌علمی اقتصاد دانشگاه تهران در خلال گفت‌وگو با قدس، روایت‌های قابل‌توجهی از تجربیات بودجه‌نویسی کشور مطرح کرد. در ادامه این گفت‌وگو را بخوانید.

◆ همان‌طور که اطلاع دارید، کسری‌بودجه یکی از مشکلات همیشگی بودجه‌نویسی کشورمان بوده و این کسری‌بودجه در حالی است که در بودجه‌نویسی مفهوم عملیاتی بودن بسیار مرسوم است، یعنی براساس اولویت امور و نتایج قابل‌اندازه‌گیری منابع مالی تخصیص داده می‌شود. با توجه به تأکید مسئولان بر عملیاتی بودن این بودجه، داشتن کسری‌بودجه نوعی تناقض نیست؟

در این پرسشتان چند نکته مجزا وجود دارد که بعضاً به طور همزمان می‌تواند اعمال شود و با هم تناقض و منافاتی ندارند. مثلاً به لحاظ نظری، بودجه می‌تواند عملیاتی متصور شود و درعین حال کسری هم داشته باشد. کسری‌ها برمی‌گردد به میل کشور به هزینه بیشتر از درآمدش و چون در گذر زمان این میل به این صورت اعمال شده که نرخ رشد هزینه‌ها بیشتر از نرخ رشد درآمدها بوده؛بنابراین کسری تراز عملیاتی رخ داده است که این با کسری‌بودجه کشور فرق دارد، اما همین کسری ترازعملیاتی در لایحه سال آینده ۳۱۹هزار و ۵۰۰میلیارد تومان اعلام شده و این بدان معناست که اگر دولت بخواهد از محل درآمد مالیات و سایر درآمدهای غیرنفتی فقط کار جاری انجام دهد و هیچ هزینه عمرانی صرف نکند، ۳۱۹هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان کسری دارد، پس منشأ آن، افزایش هزینه‌ها نسبت به درآمدهاست. در مورد بودجه عملیاتی دو تا جمله باید گفت جمله نخست اینکه آیا عملیاتی شدن خوب است یا نه؟ من جزو کسانی هستم که معتقدم خوب است؛ اما اینکه آیا می‌توانیم بودجه ایران را عملیاتی کنیم، پاسخ من منفی است. مثل هر کار دیگری، عملیاتی شدن بودجه هم نیازمند فراهم آمدن ابزارها، شرایط و آمادگی‌های لازم است. با توجه به نوع تفکر ما، وضعیت درآمدها و چگونگی هزینه‌هایمان، آمادگی لازم برای عملیاتی کردن بودجه نداریم. نه اینکه عملیاتی کردن بودجه خوب نیست بلکه ما نمی‌توانیم. عملیاتی کردن بودجه مستلزم شفافیت است و اینکه مشخص شود هر واحد پول که اختصاص پیدا می‌کند، چرا اختصاص پیدا می‌کند نه اینکه چگونه خرج می‌شود. البته چگونه خرج شدن هم مهم است، اما اینکه چرا این واحد را می‌پردازیم باید شفاف باشد.

برش

اگر دولت بخواهد از محل درآمد مالیات و سایر درآمدهای غیرنفتی فقط کار جاری انجام دهد و هیچ هزینه عمرانی صرف نکند، ۳۱۹هزار و ۵۰۰میلیارد تومان کسری دارد، پس منشأ آن افزایش هزینه‌ها نسبت به درآمدهاست

◆ مثال‌هایی از این موارد دارید؟

مثلاً در بودجه به‌خصوص در بودجه جاری دستگاه‌های اجرایی هر سال به سازمان برنامه‌وبودجه می‌گوید سال گذشته ما A واحد اعتبار داشتیم و چون حالا تورم مثلاً ۳۰درصد رشد کرده، برای سال بعد باید A به علاوه ۳۰درصد A به ما بودجه بدهید تا بتوانیم خدمات سال گذشته را ارائه کنیم. این کار هزینه‌ها را بالا می‌برد، در حالی که سازمان برنامه باید به دستگاه اجرایی بگوید قصه بودجه سال گذشته تمام و صفر شده نه اینکه پایه بودجه سال بعد باشد. پس از ابتدا استدلال کنید که می‌خواهید چه کنید؟! چه‌بسا که استدلال آن سازمان به اندازه اعتبار سال قبل هم نباشد! مثلاً در یک سالی علاوه بر اعتبارات پرسنلی، دستگاهی پیش‌بینی کرده ساختمان و یا تجهیزات کامپیوتری بخرد. این کار که هر سال تکرار نمی‌شود بلکه ممکن است ۱۵ تا ۲۰ سال دیگر نیازی به چنین اعتباری نباشد؛بنابراین باید آن ارقام از پایه اعتبارات سال گذشته، بیرون بیاید. اگر به این صورت عمل کنیم شاید بتوان گفت به تدریج ردپای شفافیت را در اینکه چرا اعتبار می‌دهیم و به چه منظوری، مشخص شود. البته دیوان محاسبات هم باید در خصوص «چگونه خرج شدن» شفاف‌سازی کند. در مجموع شفافیت عملکرد و بهینه بودن اندازه بودجه به معنای سادگی و اینکه ماده‌واحده بودجه، تبصره نداشته باشد، شرط عملیاتی کردن آن است. حالا ممکن است سازمان برنامه در مورد طرح‌های عمرانی صفحاتی را مبنی بر عملیاتی بستن بودجه ارائه کند، اما ما آن‌قدر ساده‌اندیش نیستیم که قانع بشویم. پس عملیاتی بودن بودجه لازم است و باید به این سمت برویم، اما شرایطش به سال‌ها زمان نیاز دارد، اگر به حرف‌هایی که می‌زنیم «عامل» باشیم.

◆ با این توصیفی که شما از نحوه بودجه‌نویسی داشتید، یعنی کاملاً بر مبنای سال‌های پیش و بدون هدف‌گذاری، اصلاح ساختاری مدنظر کارشناسان چیست و چرا به یک آرزوی دست‌نیافتنی تبدیل شده است؟

اصلاح ساختار بودجه یک پدیده «زمانمند» است، پس یک دوره مثلاً پنج ساله باید برایش در نظر گرفت و به صورت پلکانی در این دوره پنج‌ساله، تکالیفی را تعیین کرد. منظورم از پلکانی‌بودن این است که مثلاً اگر «فلان» کار باید در سال دوم انجام شود، لازمه‌اش «بهمان» کار در سال اول است و اقدام سال اول، زمینه قدم سال دوم باشد. پس این یک مجموعه است که باید توالی زمانی آن رعایت شود.

به نظر من نخستین کاری که می‌شود انجام داد، پرهیز از «سلیقه‌گرایی» از طریق ارجاع به قانون است. شاید کسی این حرف من را بشنود تعجب کند، اما ما هنوز قانون «نحوه نوشتن بودجه» را ننوشته‌ایم! بودجه باید براساس قانون و ملاک‌هایی نوشته، در مجلس بررسی، اجرا و تفریغ شود. این موضوع اصل ۵۲ قانون‌اساسی است و ما باید قانون اصل ۵۲ قانون‌اساسی را بنویسیم که ننوشته‌ایم. این جزو نخستین اقدام‌های نرم‌افزاری است که باید انجام شود. ممکن است بپرسید: ما اکنون قانون نداریم؟ می‌گویم: اتفاقاً بیش از ۷۰۰ ماده‌قانونی در ارتباط با مسائل مالی دولت داریم، اما همین که کسی متخصص باشد و بشنود که ۷۰۰ ماده‌قانونی وجود دارد، می‌فهمد که چه اغتشاش، سردرگمی، تزاحم و تناقضاتی در مجموعه قوانین وجود دارد.

پس باید این‌ها را به طور کامل کنار گذاشت و قانون اصل ۵۲ را در ۱۵ تا ۲۰ ماده نوشت تا بودجه بر این اساس نوشته و سلیقه‌ها کنار گذاشته شوند. نکته دوم، قانون اصل ۴۵ قانون‌اساسی است. این اصل به انفال (استفاده از معادن، جنگل‌ها و منابع) مربوط می‌شود. نفت از مجموع انفال و جزو معاون محسوب می‌شود، اما در مورد آن قانون اصل ۴۵ را ننوشته‌ایم. قانون شرکت ملی نفت را داریم، اما قانون مناسبات مالی بین نفت و انفال با مصالح‌عامه را نداریم. اصل ۴۵ می‌گوید: باید قانونی نوشت که در آن ذکر شود منافع و درآمدهای انفال از جمله نفت مصروف مصالح عمومی بشود. قانون باید مصالح عمومی را تعریف کند که عمدتاً دربرگیرنده منافع نسل‌های آینده کشور هم هست. متأسفانه به دلیل «رانت نفتی» یا «نفت رانتی» به سمت نوشتن این قانون نمی‌رویم و هر سال در بودجه بحث‌های مفصلی درمی‌گیرد در مورد اینکه چقدر از پول نفت را به دولت بدهیم، چقدر را به صندوق توسعه و چقدر به شرکت ملی نفت، گازرسانی به روستاها و... بدهیم. این دو قانون کلیدی را حتماً باید بلافاصله نوشت تا اعمال سلیقه در بودجه‌نویسی و تغییر ارقام بودجه کنار برود و شفافیتی حاکم شود.

نکته سوم اینکه نهادی که قانون تأسیس ندارد، نباید هیچ پولی از دولت بگیرد. اگر ضرورتی برای پول گرفتن دارد، قانونش تصویب و معلوم شود فلان بخش کار را در کشور برعهده دارد و در قبال آن پول بگیرد و جواب هم بدهد. این مسئله بدون رودربایستی است که حالا بگوییم مذهبی‌ها باشند، غیرمذهبی‌ها نباشند، چون ما کشور واحد هستیم و مسائلمان هم یکسان است. بر این اساس لایحه بودجه باید فاقد تبصره باشد یا حداقل تبصره‌هایی که به ماده‌واحده، وضوح و روشنی می‌بخشد، در آن وجود داشته باشد. امروز نمایندگان در زمان بررسی بودجه، فقط تبصره‌ها را بررسی می‌کنند. تبصره‌ها اصولاً بودجه نیست بلکه قوانین یکساله‌ای است که ذی‌نفعانش یعنی دستگاه‌های اجرایی به دلیل اینکه می‌خواهند در زمان کم به قانون برسند فشار می‌آورند و در نهایت در ۱۵ دقیقه توسط مجلس به قانون تبدیل می‌شود و پخته نیست و چون یکساله است سال بعد دوباره تکرار می‌شود. لایحه بودجه، جای نوشتن قوانین یکساله نیست. اگر تبصره کامل کنار گذاشته شود، نماینده‌ها وارد جداول می‌شوند و ارقام را بررسی می‌کنند. پس ارجاع به نهاد (قواعد کار) از قبیل قانون اصل ۵۲ و ۴۵ و کنار گذاشتن تبصره‌نویسی و اصل مهم وحدت بودجه یعنی هر کس از بودجه پول می‌گیرد، باید مشخص باشد در پازل و مجموعه کارهای عمومی کشور چه کار می‌کند، از جمله بایدهای ضروری است.

◆ یکی از بخش‌های چالشی بودجه دولت، شرکت‌های دولتی هستند که به گفته برخی کارشناسان یا مسئولان، بخش عمده آن خارج از نظارت مجلس است،به‌ویژه شرکت‌هایی که گویا زیانده هم هستند. آیا واقعاً این شرکت‌ها زیانده هستند و ریشه این زیان‌دهی چیست؟

این شرکت‌ها در مجموع زیانده نیستند و هیچ موقع زیانده نبوده‌اند. این شرکت‌ها سالانه حدود ۲۰هزار میلیارد تومان سود سهام و مالیات به دولت پرداخته‌اند، اما ۳هزار میلیارد تومان کمک زیان گرفته‌اند که ۲هزارو۲۰۰میلیارد تومان از این کمک زیان را صداوسیما به خودش اختصاص داده است، چون فعالیت فرهنگی می‌کند! ۸۰۰ میلیارد تومان دیگر به حدود ۱۰۰ شرکت خدماتی از قبیل ۳۱ شرکت آب منطقه‌ای در استان‌ها، ۳۱ شرکت فاضلاب، برق و... پرداخت می‌شود و این شرکت‌ها باید به مردم خدمات بدهند و اگر بخواهند زیان نکنند باید قیمت خدماتشان را بالا ببرند، اما چون مصالح عمومی اجازه این کار را نمی‌دهد، زیانده هستند. نمونه دیگر از شرکت‌های زیانده، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که روی تنویر افکار کودکان فعالیت فرهنگی می‌کند؛ بنابراین ممکن است ۱۰۰شرکت زیانده وجود داشته باشد، اما این ۱۰۰ شرکت به اندازه یک‌چهارم یک شرکت بزرگ هم نیستند و با مقایسه رقم کمک زیانی که می‌گیرند و ۲۰هزار میلیارد تومانی که به بودجه عمومی در قالب مالیات و سود سهام کمک می‌کنند، می‌توان گفت این شرکت‌های دولتی همیشه که به کمک دولت می‌آیند و حتی زمانی که می‌گفتند این‌ها را خصوصی کنید، چون زیانده هستند، حرف‌های غلطی برای زمینه‌سازی خصوصی‌سازی و فساد ناشی از آن بود. من این همه در مجلس فریاد می‌زدم که این‌ها زیانده نیستند...، البته با وجود این مواردی که گفتم شرکت‌های دولتی نسبت به سرمایه‌ای که در اختیارشان هست، می‌توانند سود بیشتری بدهند. این‌ها هر چند زیان نمی‌دهند، اما ناکارآمد اداره می‌شوند. باید مجلس در فرصت دیگری به عمده‌ترین این موارد بپردازد، چون ضوابط بررسی بودجه شرکت‌های دولتی که خودشان درآمد دارند و مالیات می‌دهند نه اینکه از مالیات کمک بگیرند، با ضوابط بودجه عمومی تا حدودی فرق دارد و دو الفبا و دو زبان مختلف می‌خواهد.

برش

عملیاتی کردن بودجه مستلزم شفافیت است و اینکه مشخص شود هر واحد پول که اختصاص پیدا می‌کند، چرا اختصاص پیدا می‌کند نه اینکه چگونه خرج می‌شود. البته چگونه خرج شدن هم مهم است، اما چرایی باید شفاف باشد

◆ در مجموع برخی معتقدند وقتی شرایط سخت تحریم بر کشور حاکم است و کرونا هم مزید بر علت شده، دولت چاره‌ای جز بستن بودجه انبساطی، در نظر گرفتن سهم ناچیز حدوداً ۸درصدی برای حوزه عمرانی و خلاصه تمرکز بر هزینه جاری نداشته و نباید بر دولت سخت‌گیری کرد. این استدلال درست است؟

این یک مقوله مفصل و قابل‌تأمل است. نخست، بودجه‌ای که بسته می‌شود یک پیش‌بینی است و همه ما می‌دانیم که در پیش‌بینی، درآمدها بیش‌برآورد و هزینه‌ها کم‌برآورد محاسبه می‌شود، تا شکاف تراز عملیاتی کمتر دیده شود و با این حساب ۳۱۹هزار و ۵۰۰میلیارد تومان کسری پیش‌بینی شده است، اما نکته مهم عملکرد بودجه است. باید با توجه به بودجه ۹۸ که امروز تمام شده، ببینیم به بخش عمرانی در عمل چه عددی پرداخت شده نه اینکه چقدر تصویب شده است. اگر آن را ملاک قرار دهیم، شاید به بخش عمرانی در سال آینده بودجه چندان کمی اختصاص داده نشده است. اینکه برخی بگویند به دلیل کرونایی بودن شرایط یا تحریم، نباید به دولت سخت‌گیری کرد را قبول ندارم. این سخت‌گیری به دولت نیست و اتفاقاً چون دو نهاد مجلس و دولت از پول مملکت استفاده می‌کنند و کرونا موجب شده دولت هزینه‌های اجتماعی را بپردازد و به دلیل اینکه در تحریم هستیم، باید بیشتر به هم سخت بگیریم و بودجه را نه لزوماً انقباضی بلکه دقیق ببندیم.

آنچه مهم است اینکه نباید مچ‌گیری و یا از هم عیب‌جویی کنیم و نقد و اصلاح لازم است. البته این درست است که اداره کشور در شرایطی که فعالیت‌های اقتصادی یا به دلیل تحریم یا کرونا تعطیل است و باید از فعالیت‌های سال ۹۹ مالیات ۱۴۰۰ را تأمین کنیم و این فعالیت‌ها تقریباً تعطیل بوده، نباید درآمد مالیاتی آنچنان افزایش یابد. واقعیت این است که طبقات زیادی به دلیل کرونا کمک‌معیشتی گرفته‌اند و اگر کسی این‌ها را نبیند، خطا کرده، اما دولت‌ها و مجالس آن‌قدر اشکال‌ها دارند که سخت‌گیری در جهت دقت، برایشان لازم است. من یک مثال قابل‌تأمل بزنم. براساس همین لایحه دولت، برای اتمام پروژه‌های عمرانی فعلی یک‌هزارو۱۰۰هزارمیلیارد تومان به پول امروز نیاز است، به شرطی که تورم ثابت بماند که چنین چیزی محال است. با پیش‌بینی تورم بین ۱۵ تا ۲۰ سال دیگر زمان لازم است تا همین پروژه‌های کلنگ خورده تمام شود که تازه آن زمان هم به مرحله استهلاک رسیده‌اند! درعین حال در جدول شماره ۲۰ کتاب بودجه، ۲۵۴ طرح و پروژه بزرگ از قبیل بیمارستان‌های بزرگ، راه‌آهن‌های بزرگ، دانشگاه‌ها و... آمده که هزینه هیچ یک را نمی‌توان برآورد کرد، چون مختصات فنی، زیست‌محیطی و... آن‌ها مشخص نیست و مطالعه نشده‌اند. در واقع دولت و نمایندگان با این کار یک زنبیل در صف گذاشته‌اند تا به محض خالی شدن فضا، درون پروژه‌های عمرانی شیرجه بزنند! به نظر من هزینه این‌ها خیلی بیشتر از آن رقمی است که برای پروژه‌های فعلی گفتم. پس کشوری که با خودش این‌گونه عمل می‌کند و پیش از اینکه آن همه پروژه بزرگ که ۲۰ سال زمان نیاز دارد را به پایان برساند، پروژه‌های سنگین دیگری به قلمرو طرح‌های عمرانی اضافه می‌کند، بدیهی است مشکلش کرونا و چهار قلم حمایت اجتماعی نیست بلکه مشکلش تفکر غلطی است که باید عوض شود.

خبر

پیامک اخطار برای قماربازان ارسال شد

۴هزارو۵۰۰ پایانه فروش خارج از کشور مسدود شد

مهران محرمیان، معاون فناوری‌های نوین بانک‌مرکزی گفت: تنها در مدت چند ماه ۴هزارو۵۰۰پایانه فروش خارج از کشور توسط شاپرک به صورت هوشمند شناسایی و مسدود شده‌اند. به گفته فارس، وی افزود: فرایند و سازوکار شناسایی درگاه‌های بانکی اجاره‌ای نیز این‌گونه است که درگاه‌ها و کارت‌های اجاره‌ای از طریق سامانه‌های هوشمند شناسایی و به صورت آنی به مراجع‌قضایی ارجاع می‌شود و پس از آن پاسخ از سوی دستگاه قضایی دریافت و در نهایت این درگاه غیرفعال می‌شود. وی ادامه داد: در صورت تکرار و مبادرت فرد به تعداد دفعات بیشتر نسبت به فعل مجرمانه قمار، علاوه بر ارسال پیامک «اخطار»، کارت بانکی مسدود و حساب بانکی وی نیز غیرفعال می‌شود. در نهایت کسانی که به‌کرات و دفعات زیاد اقدام به قمار کنند، برایشان پرونده قضایی تشکیل و حکم متناسب با عمل مجرمانه از سوی دادگاه صادر می‌شود.

مورد عجیب بانک آینده

بانک‌مرکزی نحوه واگذاری ایران‌مال را تأیید نکرد

بانک‌مرکزی عدم تأیید فروش بخشی از سهام شرکت توسعه بین‌الملل ایران‌مال به شرکت حامی کیان‌سازه را به بانک آینده ابلاغ کرد. در این مکاتبه ضمن تأکید مجدد بر ضرورت رعایت مقررات و ضوابط ابلاغی، تأکید شد بانک آینده به قید فوریت اقدام‌های لازم به منظور لغو واگذاری یاد شده را به عمل آورد و نتایج را به این بانک اعلام کند.

امینی‌رعیا، کارشناس حوزه بانک در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، در خصوص واگذاری ۳۵درصد از سهام ایران‌مال توسط بانک آینده گفت: باید دو مسئله مهم توسط بانک‌مرکزی و نهادهای نظارتی مراقبت شود:۱- سهام به تیم مدیریتی سابق و متخلف بانک واگذار نشود. ۲- برای پرداخت پول از خود بانک وام گرفته نشود!

پیش‌بینی مرکز پژوهش‌های مجلس

تورم تا پایان سال به چند درصد می‌رسد؟

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش بررسی اقتصاد ایران نوشت: چشم‌انداز نرخ تورم تا پایان سال ۱۳۹۹ و همچنین در سال ۱۴۰۰ تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که مهم‌ترین آن‌ها الف)انتظارات تورمی نحوه تأمین مالی کسری‌بودجه و تغییرات پایه پولی و نقدینگی ب)کسری‌بودجه و رشد پایه پولی است. به گفته این نهاد مطالعاتی، در مجموع پیش‌بینی می‌شود تورم نقطه به نقطه تا پایان سال در حدود ۴۵درصد و تورم سالیانه در محدوده ۳۸درصد قرار گیرد که با هدف تورمی اعلام شده بانک‌مرکزی، فاصله زیادی دارد.

بازار

همزمان با گران‌شدن سبزی

موز در سرازیری قیمت افتاد

اسدالله کارگر، رئیس اتحادیه میوه و سبزی، از کاهش قیمت موز در بازار خبر داد و گفت: قیمت کنونی هر کیلو موز با افت ۴هزار تومانی به ۲۸ تا ۳۲هزار تومان در میدان مرکزی میوه و تره بار رسیده است. وی افزود: با استمرار روند فعلی ثبت سفارش، پیش‌بینی می‌شود قیمت موز در بازار همچنان کاهشی باشد. وی نرخ هر کیلو سبزی جور (پلو، آش، قورمه) را ۳هزار و ۵۰۰ تا ۵هزار تومان و سبزی خوردن را ۴هزار و ۵۰۰ تا ۶هزار تومان اعلام کرد و گفت: با اتمام سبزی‌های دورشهر و تأمین از استان‌های جنوبی و بخشی از طریق گلخانه، قیمت بالاست و با احتساب حداکثر ۳۵درصد سود در مغازه‌ها به مصرف‌کننده عرضه می‌شود.

افزایش ۱۱هزار تومانی هر قطعه جوجه مرغ تخم‌گذار در یک هفته

سخنگوی اتحادیه مرغ تخم‌گذار میهن با بیان اینکه برآورد ما نشان می‌دهد بیش از ۸ میلیون قطعه مرغ تخم‌گذار راهی کشتارگاه شده است،افزود: با توجه به افزایش قیمت پولت و بالا رفتن هزینه‌های تولید، امکان جایگزینی گله‌های حذف شده وجود ندارد و این به معنی ادامه کاهش تولید تخم‌مرغ است. وی افزود: هزینه‌های اصلی راه‌اندازی دوباره این واحدهای مرغ تخم‌گذار شامل خرید پولت و نهاده‌های تولید می‌شود. وی ادامه داد: در کمتر از یک هفته فقط در پولت شاهد افزایش ۱۱هزار تومانی در هر قطعه بوده‌ایم. قیمت هر قطعه پولت از ۳۴هزار تومان به ۴۵هزار تومان رسیده است.

اقتصاد در شبکه های اجتماعی

قانون یعنی کشک؟

سیدامیر سیاح، کارشناس اقتصادی نوشت: براساس ماده۲۹ قانون برنامه، دولت از ابتدای سال۹۷ وظیفه داشته حقوق و مزایای همه مسئولان را برای اطلاع عموم منتشر کند، نمی‌کند! دیوان محاسبات نشان داده متوسط حقوق و مزایای پرداختی به یک‌سوم کارکنان شرکت‌های دولتی ۲۶میلیون تومان در ماه است. سؤال: آیا قانون یعنی کشک؟ جدی پرسیدم.

کالاهایی که ارز دولتی گرفتند، گران‌تر شدند

میثم ابراهیمی، کارشناس اقتصادی نوشت: محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفته است طبق آمار رسمی بانک‌مرکزی در پایان سال ۹۸، نرخ تورم کالاهای اساسی از نرخ تورم کالاهای غیراساسی بالاتر است. ترجمه جمله ایشان این است که کالاهایی که دلار دولتی گرفته‌اند و باید ارزان به دست مردم برسند، بیشتر از سایر کالاها رشد قیمت داشته‌اند.

سند بودجه یا دفتر مالی مستوفیان

علی چشمی، عضو هیئت‌علمی اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد، با اشاره به ضرورت اصلاح ساختاری بودجه نوشت: تا ۱۰۰ سال پیش، مستوفیان دفترهای مالی را با خط سیاق می‌نوشتند تا بقیه چیزی از آن نفهمند. سند فعلی بودجه هم با اصطلاحات خاصش، ارقام درهم تنیده و مبهمش و باز بودن اختیارات تصویبی و اجرایش، تقریباً همان کارکرد خط سیاق را دارد.

امضاهای طلایی و آگهی فروش شغل

پوریا فتحعلی، کارشناس اقتصادی، با انتشار تصویری از یک آگهی که مجوز نانوایی را به فروش گذاشته بود، نوشت: موانع ورود به کسب و کار آن‌قدر زیاد است که مجوز آموزشگاه، نانوایی، دفتر پیشخوان، قهوه‌خانه و... میلیون‌ها تومان ارزش پیدا کرده است! امضاهای طلایی میلیون‌ها شغل را نابود کرده است. اگر اسم این کار خودتحریمی نیست، پس چیست؟